

جلال خالقی مطلق، نیویورک، ۱۳۸۶، کریستنس، آرتور، کیانیان، ترجمه ذبیح‌الله صفا، تهران، ۱۳۶۸؛ مینوی خرد، ترجمه احمد تقاضی، تهران، ۱۳۵۴؛ یشتها، گزارش ابراهیم پوردادوو، تهران، ۱۳۰۷؛

Bartholomae, Ch., *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin, 1979; Mayrhofer, M., *Iranisches Personennamenbüch*, Wien, 1979.

محمدتقی راشد محصل

کیکاووس بِنْ کِیخُشْر وَ رَازِی نَكْ: زَرَاشْتْنَامَه

کیمیای سعادت. مهم‌ترین اثر فارسی ابوحامد محمد غزالی^{*} (متوفی ۵۰۵ق)، که گویا آن را به درخواست کسانی تألیف کرده است که با زیان تازی آشنایی کافی نداشته‌اند، از این رو قلم را از «عبارت بلند و مغلق و معنی باریک و دشوار» (غزالی، ج ۱، ص ۵) بازداشتند تا فهم عوام آن را دریابد. به طور سنتی این کتاب را ترجمه و تلخیص دیگر اثر معروف غزالی، احیاء علوم‌الذین، می‌دانند (از جمله نک: برآون، ج ۲، ص ۴۵-۴۶؛ بدوى، مؤلفات الغزالى، ص ۱۷۲؛ فروزانفر، تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۴۱)، حال آنکه میان این دو اثر تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. این تفاوت‌ها تنها در حذف و اضافه برخی از عبارتها و واژه‌ها و یا دست کاری در تعداد و دسته‌بندی بعضی از موضوعات نیست، بلکه کیمیای سعادت خود ترتیب و تنسيقی جداگانه و مستقل دارد (نک: موریسن، ص ۱۰۸؛ فوشکور، ص ۲۹۰). غزالی در ابتدای کتاب دیباچه‌ای مفصل آورده است که در احیاء علوم‌الذین نیست. این دیباچه شامل چهار «عنوان» است که شالوده معرفتی آدمی را تشکیل می‌دهد: معرفت خود (نفس)، حق تعالی، دنیا و آخرت؛ و به قول خود غزالی، «این چهار معرفت به حقیقت عنوان مسلمانی است» (غزالی، ج ۱، ص ۴)، بسیاری از مطالب این چهار «عنوان» در قسمت‌های مختلف احیاء علوم‌الذین به صورت پراکنده آمده است، اما در کیمیای سعادت صورتی کاملاً منسجم و ابداعی دارد، به طوری که نمی‌توان آن را صرفاً ترجمه احیاء علوم‌الذین دانست.

کیمیای سعادت نیز مانند احیاء علوم‌الذین از چهار رکن عبادات، معاملات، مهلکات و منجیات تشکیل شده است. غزالی این چهار رکن را که «ارکان معامله مسلمانی» می‌خواند، به دو دسته ارکان ظاهری و ارکان باطنی تقسیم می‌کند: ارکان ظاهری شامل عبادات و معاملات است که آنها را به ترتیب «گزاردن فرمان حق» و «نگاه داشتن ادب... در حرکات و سکنات و معیشت» می‌داند. ارکان باطنی هم شامل مهلکات (یا به تعبیر دیگر غزالی «عقبات راه دین») و منجیات است که آنها را

پسر منوش، پسر کی‌پسین، پسر کی‌ایپیوه، پسر کیقباد است» (همان، ص ۱۵۱)؛ و آخرین مورد ذکر سالهای سلطنت اوست که آن را پانزده سال دانسته است (همان، ص ۱۵۵). در پرسش بیست و ششم دادستان مینوی خرد (بنده ۴۸-۴۵) آمده است: «... از کیقباد این سود بود که نسبت به ایزدان سپاسدار بود و نیکو پادشاهی کرد و پیوند و تخته کیان از او ادامه یافت».

مفصل‌ترین بحثی که در متنهای فارسی میانه درباره کیقباد آمده است در شاهنامه^{*} است که از پادشاهی او در ۱۸۵ بیت (نک: فردوسی، ج ۱، ص ۳۴۵-۳۵۸) سخن گفته است. شاهنامه پادشاهی او را صد سال می‌داند («بر این گونه صد سال آسان بزیست / نگر تا چنین در جهان شاه کیست»، همان، ج ۱، ص ۳۵۷، بیت ۱۷۲)، و به جنگ پیروزمندانه با افراسیاب اشارة دارد. در این جنگ کیقباد، به همراه نامدارانی مانند زال^{*}، قارن^{*}، خرداد، کشاد، برزین، گزدهم و رستم^{*}، افراسیاب را، به پادشاه هجومی که در زمان «زو»، پسر طهماسب و جانشین نوذر، به ایرانشهر آورده است، به خصوص با پهلوانیهای درخشان رستم جوان در نبرد با افراسیاب، شکستی سخت می‌دهد: رستم از پدرش، زال، نشان افراسیاب را می‌پرسد «که افراسیاب آن بداندیش مرد / کجا جای گیرد به روز نبرد؟ / چه بودش؟ کجا بر فراز درفش؟ / که بیداست تابان درفش بنفسن» (همان، ج ۱، ص ۳۴۷، بیت ۲۲-۲۱). زال فرزند را از نبرد با او برحدار می‌دارد، و با این همه، از نشان او که «درفشش سیاه است و خفتان سیاه / از آهنش ساعد و ز آهن کلاه» (همان، ج ۱، ص ۳۴۷، بیت ۲۶) خبر می‌دهد. رستم به میدان می‌رود، و چون افراسیاب رامی‌یابد، او را با دوال کمرش از پشت زین بر می‌دارد و می‌خواهد او را نزد کیقباد ببرد، اما دوال کمر می‌گسلد و افراسیاب جان به در می‌برد. افراسیاب پس از این شکست از در آشتبی در می‌آید و کیقباد می‌پذیرد، هرچند رستم این کار را نمی‌پسندد و می‌گوید: «نبود آشتبی هیچ در خورشیدشان» (همان، ج ۱، ص ۳۵۴، بیت ۱۲۸). پاسخی هم که کیقباد به رستم می‌دهد این است «که چیزی ندیدم نکوترا ز داد» (همان، ج ۱، ص ۳۵۴، بیت ۱۳۹). شاهنامه کیقباد را پادشاهی نیک‌خو و باداد و دهش دادگر فرخنده رای می‌خواند و از اندرزهای نیک او نیز یاد می‌کند. او پس از صد سال پادشاهی، چون مرگ را نزدیک می‌بیند، فرزند و جانشین خود کیکاووس (نک: کاکاووس^{*}) را به دادگری و پاک‌رایی و دوری از آز فرا می‌خواند (همان، ج ۱، ص ۳۵۷، بیت ۱۸۲-۱۸۳).

منابع: بندھش، گزارش هرداد بهار، تهران، ۱۳۸۵؛ دینکرد هفتم، ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران، ۱۳۸۹؛ راشد محصل، محمدتقی، «مقدمه»، نک: دینکرد هفتم؛ فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش

توجه او به اهمیت پرداختن به سیاست در کثار مباحث اخلاقی است.

غزالی در آغاز هر اصل، ابتدا موضوع آن اصل را تعریف کرده و احادیثی را درباره آن آورده و سپس به طریق فتها و اهل ظاهر مباحث را توضیح داده است، اما غالباً در پایان هر اصل، از ظاهر اعمال و موضوعات فراتر رفته و با پرداختن به سرّ و حقیقت آنها، گونه‌ای تأویل و تفسیر صوفیانه واعظانه به دست داده است، او، آنجاکه درباره بیشتر و دوزخ جسمانی و بهشت و دوزخ روحانی سخن می‌گوید، می‌نویسد که در پی گذر از «محسوسات» به «روحانیات» بوده است، زیرا آنچه علما در این باره گفته‌اند، اگرچه درست است، شرح محسوسات است و روحانیات را یا خود درک نکرده‌اند، یا از بیم آنکه مردم آنها را درنیابند به شرح آنها نپرداخته‌اند (غزالی، ج ۱، ص ۱۰۶). بنابراین کیمیای سعادت در زمرة مهم‌ترین کتابهایی است که مؤلفان آنها بنا داشته‌اند که در برایر تسلط کامل فقهای حنفی و قدرت و نفوذ آنان، که نوعی قشریت خالص را متنی بر تفهّه و استناد به کتب ظاهر الرؤایة مذهب حنفی ترویج می‌کردند، مکتب فکری جدیدی بنا نهند که اساس آن آمیختن شریعت با معنویت باشد (حبیبی، ص هفت - هشت).

منابع غزالی در نگارش کیمیای سعادت را، که عمدتاً مبتنی بر مأخذ او در نگارش احیاء علوم‌الدین است، می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: مأخذ صوفیانه، مأخذ فلسفی - یونانی و مأخذ ایرانی - اندرزnamadی. مهم‌ترین کسانی که درباره مأخذ صوفیانه غزالی بحث کرده‌اند عبارت اند از: مارگارت اسمیت^۱، حوا لازاروس - یافه^۲، کوجیرو ناکامورا^۳ و نصرالله پورجوادی که پژوهش‌های سه تن نخستین کلی، اجمالی و گاه همراه با نتایج نادرست است (نک: پورجوادی، دو مجده، ص ۲۱۶-۲۱۴)، اما تحقیقات پورجوادی دقیق، تازه و راهگشاست. خلاصه این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که غزالی در نگارش بخش‌های مختلف کیمیای سعادت (و احیاء علوم‌الدین) از قوت القلوب ابوطالب مکی، آثار محاسبی، تهدیب الاسرار، اللمع فی التصوّف^۴ ابونصر سراج طوسی، شرح تعریف^۵ بخاری، الترسالۃ الشیبیریه ابوالقاسم قشیری، کشف المحجوب^۶ هجویری و حقایق التفسیر بهره برده است. در این میان بهره‌گیری غزالی از قوت القلوب بیش از کتب دیگر بوده است. به نظر می‌رسد که استفاده فراوان غزالی از منابع صوفیانه نتیجه گرایش او به تصوّف در سالهای آخر عمر بوده است.

غزالی از منابع فلسفی - یونانی نیز بهره برده است. از جمله

به ترتیب «پاک کردن دل ... از اخلاق ناپسندیده» و «آراستن دل ... به اخلاق پسندیده» توصیف می‌کند. به نظر می‌آید که، در ساختار کلی کیمیای سعادت، هر یک از عناوین دیباچه با یکی از چهار رکن کتاب در ارتباط است، به این معنی که شناخت خود و آخرت (عناوین اول و چهارم دیباچه) مقدمه‌ای برای شناخت دو رکن باطنی مهلكات و منجیات است و شناخت خدا و دنیا (عناوین دوم و سوم دیباچه) زمینه را برای شناخت دو رکن ظاهری عبادات و معاملات آماده می‌کند (نک: مؤذن جامی، ص ۱۷۳). هر یک از این چهار رکن کتاب خود شامل ده اصل و بر روی هم کتاب حاوی چهل اصل است.

نام کتاب، یعنی «کیمیای سعادت»، که می‌توان آن را «اکسیر خوشبختی» معنی کرد، نشان دهنده نیت و هدف مؤلف است. اگر غزالی در نگارش احیاء علوم‌الدین در بی «دوباره زنده کردن علوم دینی» است، در اینجا بر آن است که «کیمیای سعادت» را در دسترس همگان بگذارد؛ کیمیایی که، با تغییر مس و وجودی در ارکان چهارگانه کتاب را در برایر چهار خلط انسان، آن را به زر شایسته ورود به پیشگاه الهی بدل کند. غزالی چکیده و فشرده «کیمیای سعادت» خود را رویگردانی از دنیا و روی آوردن به خدا و مقصود از نگارش کتاب را «شرح اخلاق این کیمیا» می‌داند. بدیهی است که مستظر غزالی از «اخلاق کیمیا» همان چهار رکن عبادات و معاملات و مهلكات و منجیات است. بنابراین، او ارکان چهارگانه کتاب را در برایر چهار خلط بلغم و سودا و صفرا و خون گذارده است تا به طور تلویحی این مهم را گوشزد کند که اگر سلامت و قوام آدمی در گرو تعادل اخلاق چهارگانه است، آرامش و آسایش آدمی نیز نتیجه تعادل و توازن ارکان چهارگانه‌ای است که او در این کتاب شرح داده است. پس باید هر چهار رکن را به تمامی فراگرفت و به کار بست تا کیمیایی به دست آید که «سعادت ابدی» و خوشبختی سرمدی را تضمین کند. بنابراین، غزالی در انتخاب نام «کیمیای سعادت» به تاظر میان ارکان کتاب و اخلاق آدمی نظر داشته است، هرچند بعضی بر آن اند که سبب انتخاب این نام استفاده پیروان فرقه اسماعیلیه از اصطلاحات و مفاهیم کیمیای جابرین حیان بوده است (نک: فوشه کور، همان‌جا).

در کیمیای سعادت گاه مطالب تازه‌ای جانشین موضوعات احیاء علوم‌الدین شده است که مهم‌ترین و بهترین نمونه آن آوردن اصل «رعیت داشتن و ولایت راندن» در بیان رکن معاملات است که در احیاء علوم‌الدین به جای آن «آداب معیشت و اخلاق نبوت» آمده است. این تغییر آشکارا نتیجه تحوّل اندیشه سیاسی غزالی (نک: طباطبایی، ص ۱۰۷-۷۷) و

عرفان و ادبیات پارسی، ص ۷۵۴-۷۷۹). تمثیلهای دنیا نیز بیش از همه مورد توجه خواجه نصیرالدین طوسی بوده، چنان‌که او در گشایش‌نامه تقریباً همه آن مثالها را بازنویسی کرده است. او در اخلاق ناصری^{*} هم از کیمیای سعادت و احیاء علوم‌الدین بهره برده است. در این میان کتابهایی وجود دارد که پاره‌ای از مطالب آنها بعینه در کیمیای سعادت آمده است، مانند گزیده در اخلاق و تصوف و بحر الفوائد.

شهرت و اهمیت احیاء علوم‌الدین، و این تصور که کیمیای سعادت خلاصه ترجمة آن است، سبب شده است که ترجمه‌های کیمیای سعادت به زبانهای دیگر تحت الشاعر ترجمه‌های احیاء علوم‌الدین واقع شود، تا آنجا که اغلب مترجمان به برگردان احیاء علوم‌الدین بیش از برگردان کیمیای سعادت رغبت نشان داده‌اند. با این حال کیمیای سعادت هم به زبانهای مختلف ترجمه شده که کهن‌ترین آنها ترجمه‌های ترکی است. در سده دهم ق کیمیای سعادت دست‌کم سه بار به اهتمام نجاتی شاعر (متوفی ۹۱۴ق)، حسام‌الدین بن حسین درگزینی معروف به سبحانی شاعر (متوفی ۹۷۰ یا ۹۷۱ق)، به نام «تدبیر اکسیر»، و محمدبن مصطفی‌الوانی (متوفی ۱۰۰۰ق) به زبان ترکی ترجمه شده است. گویا ترجمه‌های دیگری نیز به این زبان در سده دهم ق صورت گرفته است، زیرا در فهرس المخطوطات الفارسیه (ج ۱، ص ۹۲) از نسخه‌ای به زبان ترکی یاد شده است که در ۹۷۰ق تحریر شده و ترجمة کیمیای سعادت است، اما مترجمش معلوم نیست. در سده دوازدهم ق، عبدالباقی محمد (متوفی ۱۵۹ق) و در دوره معاصر محمد موقتوغلو و فرغ‌میان، به ترتیب در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۶، کیمیای سعادت را به ترکی ترجمه کرده‌اند (یا حقیقی، ص ۴۱-۴۲). نخستین ترجمة این کتاب به زبان انگلیسی از روی برگردان ترکی و به اهتمام ه. ا. هومز^۱ انجام گرفته است (بدوی، مؤلفات الغزالی، ص ۱۷۵).

پس از او در سال ۱۹۱۰م کلود فیلد^۲ آن را از روی چاپ هند به انگلیسی برگرداند که علی‌رغم ترجمة ناشیانه و غیرقابل اعتماد، در غرب شهرت بسیار پیدا کرده و بارها تجدید چاپ شده است. ترجمه‌های جدیدتر به زبان انگلیسی از آن یوسف علی (۱۹۷۵) و محمد عاصم بلال (۲۰۰۱) است. هلموت ریتر^۳ در سال ۱۹۲۲م کیمیای سعادت را به آلمانی و خانیمه لورنزو^۴ در سال ۱۹۸۶م آن را به اسپانیایی برگردانده‌اند. همچنین الکسی ا. خیسماتولین^۵ در سال ۲۰۰۲م آن را به روسی و مولانا محمد سعید احمد نقشبندی در سال ۱۹۹۹م آن را به اردو ترجمه کرده‌اند. اهمیت کم‌نظیر آثار الغزالی از یکسو، و استقبال فراوان

در نگارش باب «در معاتبه با نفس و توبیخ وی» (در احیاء علوم‌الدین: «فی توبیخ النفس و معاتبتها») تحت تأثیر کتاب معاذله النفس بوده که به هرمس یا افلاطون نسبت داده شده است (نک: بدوى، «منابع یونانی الغزالی»، ص ۲۸۸-۲۹۴). همچنین روایتی از تمثیل «کوران و فیل»، که در میان آثار صوفیه نخستین بار در احیاء علوم‌الدین و کیمیای سعادت آمده، یک سده پیش از الغزالی در مقابسات ابوحیان توحیدی نیز آمده است (نک: فروزانفر، احادیث و قصص مثنوی، ص ۲۶۵-۲۶۶) و به احتمال بسیار الغزالی این تمثیل را از آجا برگرفته است. گذشته از این نمونه‌ها، شیوه بحث و نتیجه گیری الغزالی در بسیاری از موارد، از جمله شناخت نفس و شناخت خداوند در دیباچه کتاب، فلسفی و کلامی است که خود حاکی از تأثیر آثار فلسفی و کلامی و روش فلسفه و حکما در الغزالی است.

الغزالی در بسیاری از مباحث اخلاقی به اندرزنامه‌های کهن ایرانی نظر داشته و از آنها بهره گرفته است (فوشه کور، ص ۲۹۱-۳۰۶). گذشته از مفاهیم، الغزالی تمثیلهایی به کار برده است که ریشه در امثال کهن ایرانی دارد. از جمله تن را به شهر و هر یک از اعضای آن را به یکی از گروهها یا پیشه‌وران شهر تشییه کرده است که برگرفته از اندرزهای ارشدیشیر باپکان است (تعالی مرغنى، ص ۳۰۵-۳۰۶) و به احتمال فراوان از ترجمه‌های عربی آن استفاده کرده است. او همچنین تن آدمی را مثالی از همه عالم دانسته که تمثیلی کهن و ایرانی است و در بندesh مشابه آن آمده است (فرنیغدادگی، ص ۱۲۳). جملاتی در کیمیای سعادت هست که در ساختار شیوه اندرزهای کهن ایرانی است و احتمال دارد که الغزالی آنها را از اندرزنامه‌ها برگرفته باشد، مانند: «نه هر که کارد درود، و نه هر که رود رسد، و نه هر که جوید یابد» (الغزالی، ج ۱، ص ۲۵-۲۶).

در آثاری که پس از کیمیای سعادت و احیاء علوم‌الدین تألیف شده، به ویژه آثار عرفانی و اخلاقی، تأثیر این کتاب بسیار است. این تأثیر در دو حوزه کلی «مفاهیم و موضوعات» و «جملات، تعبیرات و تمثیلات» قابل بررسی است. مثلاً سنایی و مولوی و نسفي تمثیل «فیل و کوران» را از الغزالی اخذ کرده‌اند. عطار نیز داستان مکافحة عیسی (ع) و دیدن دنیا به صورت پیرزنی زشت و حکایت رفتن ملک‌زاده به دخمه گبران را از الغزالی گرفته است. تمثیل مورجه و کاغذ الغزالی هم بسیار مورد توجه بوده و پس از او در آثاری مانند مثنوی جلال‌الدین عتبیقی تبریزی، سلک‌السلوک ضیاء نخشی و رحیق‌التحقیق مبارک‌شاه مرو رودی آمده است (نک: پورجوادی، زبان حال در

مجلس و سه نسخه محفوظ در کتابخانه ملی، به طبع رسید. بیش از سه دهه پس از چاپ آرام، حسین خدیو جم بار دیگر به تصحیح این اثر پرداخت و نیمة نخست آن را در سال ۱۲۵۴ ش و صورت کامل آن را در سال ۱۳۶۱ ش منتشر کرد که از آن پس بارها تجدید چاپ شده است، با این حال، ضرورت تصحیح دوباره کتاب به شیوه انتقادی و براساس نسخ کهن و معتبر همچنان وجود دارد.

منابع: افشار، ایرج و محمد تقی داشن‌بیزو، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، به کوشش محمد باقر حقیقی و احمد منزوی، مشهد، ۱۳۶۴ ش؛ بدوي، عبدالرحمن، «منابع یونانی غزالی»، نک: فرهنگ ایرانی و اندیشه یونانی؛ هو، مؤلفات الغزالی، کویت، ۱۹۷۷ م؛ براون، ادوارد، تاریخ ادبی ایران، از سنایی تا سعدی، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، ۱۳۵۷ ش؛ بندش، ترجمه مهرداد بهار، تهران، ۱۳۸۵ ش؛ پورجوادی، نصرالله، دو مجلد (پژوهش‌های درباره محمد غزالی و فخر رازی)، تهران، ۱۳۸۱ ش؛ هو، زبان حال در عرفان و ادبیات پارسی، تهران، ۱۳۸۵ ش؛ تعالی مرغنى، ابومنصور حسین بن محمد، تاریخ غرالشیر، به کوشش ه. زوشنرگ، تهران، ۱۳۶۸ ش؛ حبیبی، عبدالحق، «بیشکتار»، نک: شاشی عمرکی؛ داشن‌بیزو، محمد تقی، «چند نسخه خطی کتابخانه‌های افغانستان»، راهنمای کتاب، س. ۱۰، ش. ۵ تهران، ۱۳۴۶ ش؛ شاشی عمرکی، ابوالزجاج، روضة الفرقین، به کوشش عبدالحق حبیبی، تهران، ۱۳۵۹ ش؛ طباطبایی، جواه، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران، ۱۳۸۲ ش؛ غزالی، ابوحامد محدث، کیمیای سعادت، به کوشش احمد آرام، تهران، ۱۳۱۹ ش؛ فروزانفر، بدیع‌الزمان، احادیث و قصص مثنوی، به کوشش حسین داودی، تهران، ۱۳۷۶ ش؛ هو، تاریخ ادبیات ایران (بعد از اسلام تا پایان تیموریان)، به کوشش عنایت‌الله مجیدی، تهران، ۱۳۸۶ ش؛ فرهنگ ایرانی و اندیشه یونانی، ترجمه مهدی حسینی اسفید واجانی، تهران، ۱۳۹۱ ش؛ فوشه کور، شارل-هانزی دو، اخلاقیات، ترجمه محمدعلی امیرمعزی و عبدالمحسن روح‌بخشان، تهران، ۱۳۷۷ ش؛ فهرس المخطوطات الفارسیة [فی دارالكتب]، به کوشش نصرالله مبشر الطرازی، قاهره، ۱۹۶۷ م؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، به کوشش خلبان‌پاشا، تهران، ۱۳۵۲ ش؛ محدث، علی، فهرست کتابهای خطی فارسی در کتابخانه اوپسالا، اوپسالا، ۲۰۱۲ م؛ منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، ۱۳۴۸ ش؛ موریسن، جرج و دیگران، تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا امروز، ترجمه یعقوب آزاد، تهران، ۱۳۸۰ ش؛ موسوی بروجردی، حسن، فهرست مخطوطات مکتبه العتبة العباسیة، کربلا، ۱۴۲۱ ق / ۲۰۱۰ م؛ مؤذن جامی، محمد مهدی، «درآمدی بر نظام ساختاری کیمیای سعادت»، کیهان اندیشه، ش. ۳۹، تهران، ۱۳۷۰ ش؛ نفیسی، سعید، «نسخه جالی از کیمیای سعادت»، فرهنگ ایران زمین، ش. ۲، تهران، ۱۳۳۴ ش؛ نوشاهی، عارف، کتابشناسی آثار فارسی چاپ شده در شبے قاتر، تهران، ۱۳۹۱ ش؛ یاحشی، محمد جعفر، «غزالی در غرب»، پاز، ش. ۳، س. ۱، مشهد، پاییز ۱۳۸۷ ش.

سلمان ساكت

طالبان علم و اخلاق از کیمیای سعادت او از سوی دیگر، سبب شده است که نسخه‌های خطی فراوانی از این کتاب در کتابخانه‌های سراسر جهان باقی بماند. قدیم‌ترین نسخه شناخته شده کتاب دستنویس شماره ۴۶ تصوّف فارسی، محفوظ در دارالکتب قاهره، است که در پنجم محرم ۵۷۶ ق کتاب شده و تنها نیمة دوم کتاب، یعنی ارکان مهملکات و منجیات، را دربرمی‌گیرد (مزروی، ج. ۲، ص. ۱۶۶۷). دیگر نسخ سده ششم ق عبارت اند از: نسخه بنیاد خاورشناسی لینینگراد به شماره B4612 که تنها مشتمل بر رکن معاملات و فاقد تاریخ کتاب است، اما براساس تاریخ ولادتی که بر برگی از آن آمده معلوم می‌شود که پیش از ۵۸۴ ق کتاب شده است (نفیسی، ص. ۲۸۸-۲۸۵)؛ نسخه شماره ۱۰۲ کتابخانه سلطنتی کابل، که در رمضان ۵۹۵ ق کتاب شده (دانش‌بیزو، ص. ۵۲۴) و گویا در نابسامانهای چند دهه اخیر افغانستان ناپدید شده است؛ دستنویس شماره ۶۲ کتابخانه عباسیه کربلا که تنها شامل رکن منجیات و فاقد تاریخ کتاب است، اما فهرست‌نویس آن را اواخر سده ششم ق دانسته است (نک: موسوی بروجردی، ج. ۱، ص. ۸۲-۸۱). دیگر نسخ کهن و مهم کتاب، که تا نیمة سده هفتاد کتاب شده است، عبارت است از: نسخه شماره ۴۲۷۳ کتابخانه ملک، موزخ ۵۰ عق، که در سالهای ۶۴۹ و ۶۶۲ عق مقابله شده است (افشار و دانش‌بیزو، ج. ۴، ص. ۶۹۱)؛ نسخه شماره ۰ Nov.204 (Zn.379) (دانشگاه اوپسالا) که به تازگی شناخته و معرفی شده است، بجز چند برگی که از آغاز و انجام و میانه آن افتداده، کامل است و در ۱۹۶۰ عق تحریر یافته است (محدث، ص. ۳۴۲)، نسخه شماره ۷۲ تصوّف فارسی دارالکتب قاهره که به غلط مورخ ۰۰ عق دانسته شده (فهرس المخطوطات الفارسیة، ج. ۲، ص. ۷۹؛ منزوی، ج. ۲، ص. ۱۶۶۷)، حال آنکه بین سالهای ۶۲۰-۶۹۳ عق کتاب شده است؛ نسخه شماره ۱۸۵ کتابخانه چلبی عبدالله که از روی دستنویس مورخ ۲۴ عق تکمیل شده (منزوی، همان‌جا) و به نظر مینوی در سده‌های ششم یا هفتم ق کتاب شده است؛ نسخه شماره Or.11923 موزه بریتانیا که در سال ۴۴ عق کتاب شده و کامل است، تنها چند برگ از آغاز آن نو نویس است (همان‌جا).

نخستین چاپ کامل کیمیای سعادت به سال ۱۲۵۲ ق / ۱۸۳۶ م در کلکته (نوشاہی، ج. ۱، ص. ۲۸۳) و یک سال بعد در ۱۲۵۳ ق در ایران به شیوه چاپ سنگی صورت گرفته است (فهرست کتابهای چاپی فارسی، ج. ۲، ص. ۲۷۰۳)، چاپ نسبتاً علمی و روشنانه کیمیای سعادت، نخستین بار در سال ۱۳۱۹ ش به اهتمام احمد آرام و براساس نسخه‌ای ناقص و مقابله موردي با پنج نسخه دیگر (دو نسخه متعلق به کتابخانه